

تاریخی را توصیف می کند. پس، اینکه این اقوام با تأکید بر اختلافات اتحادشان را از دست دهند سبب ازهم گسیختگی شان می شود و چیزی جز ضعف و عقب ماندگی امت رادر پی نخواهد داشت. اما تمرکز بر مفاهیم هم افزا، که اختلافات را به رسمیت می شناسند بدون اینکه به برخورد منجر شوند، روشی است که من از سیره رسول خدا (ص) و تاریخ اسلام و وضعیت زندگی معاصر می فهمم، چرا که وضعیت زندگی معاصرمان به ما می گوید که قاره ای همچون قاره اروپا که از جهان اسلام ما از نظر دینی و زبانی و اجتماعی و قومی متفرق تر و ازهم گسیخته تر است، توانست به یک وحدت اقتصادی و هم افزایی سیاسی دست پیدا کند، و توانست خود را از قرن ها جنگ و نزاع رهایی بخشد، و خود را به عنوان یک مرکز اقتصادی و ژئوپلیتیک در جهان معرفی نماید. من با توجه به این مسئله از خود می پرسم آیا جهان اسلام ما به ویژه بخش شرقی آن نباید از آنچه می بیند پند گیرد؟ نباید دریابد که ازهم گسیختگی سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی ما همه ما را تضعیف خواهد کرد و هیچ یک از ما از این وضعیت پیروزمند بیرون نخواهد آمد، بلکه جملگی شکست خواهیم خورد؟ بله، من همچنان به این ایده ایمان دارم و همچنان در منتدی الشرق که بعد از بیرون آمدن از شبکه الجزیره آن را بنیاد نهادم در راه آن قدم برمی دارم. ده سال است که برای ایجاد سازوکارها و سیاست های اقتصادی و ژئوپلیتیک و راهبردی بین این ملل و اقوام کار می کنم تا به دور از درگیری و نزاع در وضعیت خود به گونه ای هم افزا تجدید نظر کنند و خود را از دنباله روی غرب رها سازند و از یوغ سیطره قدرت هایی خلاصی یابیم که ما، فرزندان منطقه ای که شرق می نامیم، را اسباب جنگ و تسویه حساب با مخالفان شان و ابزار برای محقق ساختن مصالح خود به دور از مصالح ما و به دور از آینده درخشانمان تلقی می کنند.

ما هم امیدواریم این آرزو محقق شود. جناب آقای وضاح، شما در کتاب خود بر نقش نسل ها تأکید می کنید و به عنوان یک تحلیل نو از مکه و مدینه تحلیلی نسلی به دست می دهید و بر جوانی اسلام و پیری شرک و کفر تأکید می کنید، و اینکه اسلام

کنفرانس مشترک گروه بین المللی بحران و منتدی الشرق با حضور وضاح خنفر، استفان دی میستورا، الیزابت کولت، سیلوی پرمن و مری کلدن

آقای وضاح، ترجمه کتاب شما در ایران به خوبی مورد استقبال قرار گرفته و در مدت زمان کمی به چاپ دوم رسیده است. نخستین پرسش من درباره نام کتاب است، «الربیع الاول» یا نخستین بهار. درباره عنوان کتاب دو نکته وجود دارد، نخست اینکه عنوانی این گونه برای کتاب هایی که با موضوع سیره نوشته می شوند خیلی معمول نیست. از طرفی به نظر می رسد که این عنوان با اصطلاح بهار عربی بی ربط نباشد. افراد مختلف در این باره سخن گفته اند، اما من می خواستم از زبان خود شما در این باره بشنوم.

واژه بهار معمولاً نشانه آغاز زندگی شکوفا و پربار است، پس این بهار اساساً بهار امت اسلامی است که با رسول الله (ص) آغاز شد. این دلیل نامگذاری کتاب به نخستین بهار است. اما واژه «نخستین» اینجا به دو دلیل آمده است: اول اینکه تجربه اسلامی بنیان نهادن یک جامعه، امت و حاکمیت با رسول خدا (ص) آغاز شد، پس این نخستین بهار امت بود که امت را به سوی شکوفایی خود رهنمون ساخت. دیگر اینکه رسول خدا (ص) در ماه ربیع الاول چشم به جهان گشودند. اما نسبت این بهار با واژه بهار در اصطلاح شناسی سیاسی معاصر که به انقلاب های تحول خواه در چند سال اخیر اطلاق می شود نیز درست است. در این بین تعبیر بهار عربی نیز بر اساس یک نحو نام گذاری که از قبل آغاز شده بود شکل گرفت، چرا که ریشه این اصطلاح به اروپا بازمی گردد و از جهان عرب ریشه نگرفته است. با خود این گونه می گفتم که بنیان نهادن یک وضعیت جدید و تغییر یک وضعیت فاسد و تباها در روزگار رسول خدا (ص) یک الگو واسوه قلمداد می شود، از همین رو خواستم تا جهت گیری های راهبردی و سیاسی زندگانی رسول خدا (ص) را مورد مطالعه قرار دهم، و اینکه ایشان چگونه توانستند یک وضعیت نوین ژئوپلیتیک و راهبردی را بنیان گذارند که در واقع می توان آن را انقلابی حقیقی و بنیادین تلقی کرد که با انقلاب های ویرانگر یا انقلاب هایی که به جنگ داخلی منتهی می شوند یا انقلاب هایی که همه چیز را ریشه کن کرده و نابود می سازند تفاوت می کند، انقلابی با روشی یکتا، از همین رو بهار است، چون آغازی نو است برای زندگی امت، و نخستین بهار است چون نخستین تجربه امت اسلامی است به سوی جهان سیاست و جامعه و جهان اندیشه.

به تجربه شما در مدیریت شبکه الجزیره باز می گردم. در آن ایام شما ایده و طرحی داشتید مبنی بر گر دهم آوردن سه کانون اصلی قدرت جهان اسلام که تمدن اسلامی را شکل دادند، یعنی ایرانی ها، عرب ها و ترک ها. برخی از اساتید در سخنانشان پیرامون کتاب بر این امر تأکید داشتند که کتاب به مسائل و اگر ایانه نمی پردازد، بلکه گونه ای تلاش برای هم گرایی در کتاب دیده می شود. آیا می توان گفت ایده سابق شما سهمی در این کتاب نیز داشته است، و دیگر اینکه آیا شما هنوز آن ایده و طرح را دنبال می کنید یا اینکه دل سرد شده و از آن دست کشیده اید؟

تشریحی کنم از پرسش خوب شما. در پاسخ باید بگویم که من ایمانی بی چون و چرا به مفهوم امت دارم، و امت ما در قلب خود متشکل از عرب ها، ترک ها، ایرانی ها و کردها است. این اقوام با هم افزایی مداوم خود آنچه را امروز تحت عنوان تمدن اسلامی می شناسیم تجهیز کردند، و مرکز ژئواستراتژیک امت اسلامی را تشکیل دادند. البته این به معنی کم دانستن نقش دیگر اقوام مسلمان نیست، بلکه واقعیتی

